

یادداشت

معلم – یادگیری گروهی: انعطاف‌پذیری و تحمل نظر دیگران

زهرا علی‌اکبری
معلم

● همواره یکی از دغدغه‌های نظام‌های آموزشی، میزان اثربخشی فرایند یاددهی- یادگیری بوده است. بسیاری از نظریه‌پردازان این حوزه، اثربخشی این فرایند را وابسته به روش‌هایی می‌دانند که بتوانند مشارکت و همراهی دانش‌آموزان را در فعالیت‌های یادگیری باعث شوند و معلم با انتخاب صحیح شیوه تدریس خود، نقش بسزایی در این امر ایفا می‌کند. برای موفقیت در امر یاددهی- یادگیری معلم باید کلاسی فعال، فرحبخش و متنوع برای دانش‌آموزان ایجاد کند که در این صورت دانش‌آموزان در کلاس احساس خستگی نخواهند کرد و با علاقه و انگیزه در فرایند آموزش شرکت می‌کنند. معلم می‌تواند با کار گروهی در کلاس درس، ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان همچون خلاقیت، ابتکار، رهبری و مشارکت در گروه، پشتکار و دقت، انعطاف‌پذیری و تحمل نظر دیگران را مورد بررسی قرار دهد و حین تدریس خود از آن بهره‌برد و با بهره‌گیری از این شیوه‌ها- شیوه‌های مشارکتی یادگیری فعال- و توجه به تفاوت‌های فردی شاگردان از نگاه موجه به کلاس درس خودداری کند و با یاددهی عمیق و پایدار در ذهن دانش‌آموزان، به اهداف تدریس موفق دست پیدا کند. در یادگیری گروهی دانش‌آموزان می‌توانند در اشتراک‌گذاری گروهی به‌عنوان یک تیم واحد بیندیشند، خلق کنند و بیاموزند. خلق دانش، مشارکت، حذف فردگرایی و استقبال از اختلاف، توجه به کیفیت و کمیت، افزایش اعتمادبه‌نفس، ارتقای مهارت‌ها، دانش‌ها و... از جمله نکات مثبت در این یادگیری است. متأسفانه با توجه به حجم زیاد کتب درسی که آنچنان محتوای کارآمدی ندارند و زمان نامناسب و کم برای تدریس مطالب، معلمان کمتر می‌توانند از یادگیری گروهی بهره‌برند. در سال ۱۹۳۲ میلادی، نتیجه تحقیقی که در دانشگاه کلمبیا برای مقایسه میزان توانایی فرد و گروه در حل مشکلات به عمل آمده بود، منتشر شد. نتیجه حاصل از این تحقیق، چنین بود:

الف. راه‌حل‌های درست، از جانب گروه‌ها بود تا افراد.
ب. به نظر می‌رسید این امر به این علت است که رد پیشنهادات نادرست و توجه به اشتباهات، در گروه‌ها زیادتر بود تا در افراد.
ج. در این گروه‌ها نادرستی راه‌های پیشنهادی بیشتر توسط کسانی غیر از خود پیشنهاددهنده اظهار می‌شد.
د. اعضای گروه برای حل مشکلات به اندازه مساوی شرکت و همکاری نمی‌کردند، یعنی بعضی با انگیزه بیشتر و برخی با رغبت کمتری برای حل مشکل درگیر بحث می‌شدند.

ه. افراد سریع‌تر از گروه به راه‌های غلط می‌رسیدند. وقت آن رسید - که هرچند آموزش نوین ۸۵ سال پیش به آن رسید - با بازنگری در آموزش مهارت‌ها، محتوای کتب درسی و به‌روزرسانی شیوه‌های تدریس معلمان به دانش‌آموزان اجازه به‌دیم ضمن برخورداری از اندیشه‌های مختلف در معرض خطاها و راه‌حل‌های گوناگون قرار گرفته و شیوه‌های گوناگون و صحیح برخورد و حل مسئله را بیاموزند. یادگیری گروهی سبب‌ساز انعطاف‌پذیری و تحمل نظر دیگران می‌شود، همان حلقه‌گمشده‌ای که در کشور ما کمیاب شده است؛ تحمل نظر دیگران. از طریقت مدارس و آموزش‌های آن برای رسیدن به جامع‌های متعالی و توسعه‌یافته غافل نشویم.

جدول ۳۰۹۹ ■ طراح: ییزن گورانی

افقی:

۱- بزرگ داشته‌شده- وسیله‌ای برای معاینه مجرای گوش- زیارت خانه خدا ۲- خطکش مهندسی- کشوری میان فرانسه و اسپانیا- پیشوای آیین برهمنی ۳- پرندۀای خوش‌آواز- چیرکی- افزون‌شونده ۴- از هفت‌قلم آرایش قدیم- گرمی- از ماکیان ۵- گریستن- آغشته به رنگ- ازهم‌پاشیده ۶- مجموعه جزایری در شمال اقیانوس اطلس- نقل حدیث ۷- ساخته سینمایی مارتین اسکورسیزی- از باشگاه‌های فوتبال ایتالیا- خاک سرخ ۸- از اجزای چراغ نفتی- بالاترین حد بلندی- سرووری ۹- نشانه صفت تفضیلی- کنایه از متملق و چاپلوس است- مغازه ۱۰- مربوط به دیشب- از شهرهای مهم چین ۱۱- سازی زهی- ترسناک- مجموعه سلول‌های مغز ۱۲- زیور و زینت- لفافه- ایالتی در آمریکا ۱۳- دردناک- همیشگی- کیسه بزرگ از پوست دباغی شده ۱۴- متعلق به خانه- بخیل- راهی که به آخر نمی‌رسد! ۱۵- بندگی- پایتخت شوند- کاسه زانو.

عمودی:

۱- دغل‌کار- کتابی نوشته محمدرضا بایرامی درباره دفاع مقدس ۲- از الفبای فارسی- پرندۀ صلح- منطقه خوش‌آب‌وهوای تابستانی ۳- دربه‌دری- لوچ ۴- ماه سوم میلادی- کوچک‌ترین واحد شیمیایی سازنده مواد- پیشوندی معادل میلیون ۵- خوراکی از تخم‌مرغ- خطوط سایه روشن- بله انگلیسی ۶- نام آذری- اهل هندوستان- از توابع ملتتانی ۷- میوه ریز شیرین- ابزاری برای شخم‌زدن و شیارنمودن زمین- دانه روغنی مهسل ۸- کاخ تاریخی فرانسه- جنبش و

تخته سفید

معلمان ماندگار در تاریخ اجتماعی- سیاسی ایران

محمدرضا نیک‌نژاد
کنشگر منفی- رسانه‌ای

و دگرگونی‌های سیاسی- اجتماعی یک سده گذشته، از «صمد بهرنکی» و داستان‌های برانگیزاننده و دیدگاه‌های آموزشی عدالت‌جویانه‌اش یا از «شریعتی» و گردوخاکی که در کوچه‌پس‌کوچه‌های روشنفکری دوران خویش به‌پا کرد، از «سیمین بهیانی» و «گلشیری» و «آخوان‌ثالث» و نقش پرنشاندن در ادبیات داستانی یا از پوران «میرهادی» در نوآوری‌های آموزشی شگفت در مدرسه‌های فرهادش و تلاش‌های ارزشمندش در شورای کتاب کودک و ...

گرچه شمار معلمان اثرگذار در پهنه سیاست و فرهنگ و اجتماع روشن نیست، اما همین‌ها نیز کافی است تا بدانیم که معلمان افزون بر اثرگذاری‌های حرفه‌ای در کلاس‌ها و رهایی نوبل‌وکان از تاریکی بی‌سوادی و ندانستن، چراغ راهی برای شکستن سدهای نتوانستن و نخواستن بوده‌اند برای همه گروه‌های جامعه، اما چنین نقشی همچنان ادامه دارد؛ دست‌کم داستان انگوشدگی‌شان در فداکاری، «حسن‌امیدزاده»، آموزگاری که پس از آنکه همه دانش‌آموزانش را از میان شعله‌های آتش- آتشی که بخاری نفتی کلاس برپا کرده بود- بیرون کشید، دچار سوختگی شدید شد و پس از یک دوره بیماری از «خلیل ملکی» و انتخاب دردرس‌سازش در دوره صدق بگویم یا از شمار معلمان جان‌باخته در جنگ

مهدی بهلولی
آموزگار و کنشگر منفی

برخی می‌گویند نفت و اتکای بیش از اندازه ما به آن در چند دهه گذشته، باعث شده است سیاست‌مداران و دولتمردان ما، نیاز جدی به مردم، رضایت مردم و پرورش استعداد‌های آنها نداشته باشند و به‌همین‌خاطر است که نه به‌توسعه سیاسی و فرهنگی اهمیت زیادی می‌دهند و نه به توسعه اقتصادی. من گمان می‌کنم این سخن، تا اندازه‌ای درست باشد و نمی‌توان سراسر آن را خالی از حقیقت پنداشت. نفت و دیگر منابع طبیعی باعث شده است که دولتمردان ما به منابع انسانی، آن‌چنان که باید و شاید، توجه نداشته باشند و به‌جد، نگران هرزفتن توانمندی‌های انسانی کشور نباشند. نیاز جدی به چیزی، باعث توجه جدی به آن می‌شود و در ایران،

عبدالجلیل کریم‌پور
معلم

هفته معلم است و دوباره همه برآند تا واژه‌هایی نیکو برای اعتباربخشی این قشر به‌اصطلاح آنها پرتلاش بیابند و اندکی آنها را دلخوش به این واژه‌ها کنند که چنان قشر زحمت‌کشی، شایسته چنین واژه‌های برطوطراقی هستند که باید ایشان را

رساندن دانش‌آموز آسیب‌دیده‌اش به بیمارستان، گرفتار سیل شد و به‌همراه دو دانش‌آموز جان باخت. «حمیدرضا گنگوزهی‌ریگی»؛ آموزگار بلوچ شاغل در مرز پاکستان به‌خاطر نجات جان دانش‌آموزان خردسالش گرفتار آوار دیوار مدرسه شد و جان باخت و دو دختر خردسالش را برای همیشه ترک کرد....

بودجه‌های کاغذی آموزش و پرورش!

ارائه آموزش خوب به همه مردم، شرط راهبرد زنده‌ماندن در سراسر لحظه‌های پراشوب در تاریخ بوده است. ازاین‌رو، ما هنوز بر این باوریم- در همه دوره‌های سیاسی گوناگون- که آموزش عمومی با کیفیت بالا، بهترین راه پیگیری شکوفایی، آزادی و خوشبختی ملی است. قانون اساسی ما بر این اصول تصریح دارد که آموزش و پرورش، یک حق بشری بنیادی است و باید فرصت‌های برابر در اختیار همه کودکان قرار گیرد تا خودشان را به خوبی آموزش دهند. در فنلاند، درباره این مقدمات پایه‌ای از آموزش در میان نمایندگان مجلس یا به‌طورکلی شهروندان، اختلاف عقیده خیلی کمی وجود دارد.

یک نکته مهم این است که وقتی سیاست‌مداران ما بیرون از قدرت هستند، درباره آموزش و پرورش و ارزش و اهمیت آن طوری حرف می‌زنند که آدم گمان می‌کند اگر به قدرت برسند، آموزش و پرورش را در اولویت کارهای خود می‌گذارند اما شوربختانه این‌گونه نیست و هنگامی که بر مسند قدرت

هفته معلم و شعارهای اعتباری

تا جایگاهش را در میان مردمان کوچه و بازار بیابی! بر سر در فروشگاه‌هایی، پارچه‌هایی نه‌چندان زیبا، اما رنگارنگ و به نستعلیق درهم‌ریخته درشت‌نوشته‌ای می‌بینی که شادمانی‌شان را به «کادوی روز معلم» رسید جلوه می‌دهند! کمی سردرد می‌گیری! این هم از شوق ناشی از اعتبار است! سری به کوه می‌زنی تا شادی‌هایت را با او تقسیم کنی! به آرامشی محتاجی که فریاد شوق را بی‌هیچ مزاحمتی همراه تو بانگ زندا باز هم می‌شود به کوه و آرامشش دل بندی و خوراخورا

جدول ۳۰۹۸

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰

سودوکو سخت ۲۰۹۵

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۲۰۹۵

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یا واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

نگاه

معلمان و چالش تدریس اثربخش

عزت‌الله مهدوی
دبیر فلسفه

● معلمان در طول خدمت خود با یک چالش اساسی مواجهند و آن دغدغه دستیابی به «تدریس اثربخش» است؛ تلاش برای تحقق‌بخشیدن به فعالیتی که متضمن انتقال پیام، هدایت، اطلاع‌رسانی، مشاوره، تسهیل‌گری، حمایت، روشنگری، اندیشیدن و به‌طورکلی پرورش احساسات و تخیل و تعقل -دانش‌آموزان است.

اما در پاسخ‌گویی به این چالش مهم، با موانع و مشکلات ساختاری و بنیادی در نظام آموزش و پرورش رسمی روبه‌رو هستند.

معلم از یک طرف، در کسوت یک شاغل حقوق‌بگیر باید تابع سلیقه‌های مدیریتی افراد بالادستی و اسناد مرتبط باشد و در تراز نسبی شرح وظایفی که تعریف می‌کند، بکنجد و در نهایت نخته‌بند شکل و محتوایی بشود که بسان ماشین غول‌آسایی در کار یک‌دست‌کردن فعالیت آنها و دانش‌آموزانشان است. این مسئله بسیاری از خلاقیت‌ها را سرکوب کرده و همراه شتاب تغییرات ناخواسته و روزافزون جامعه، فرصت اندیشیدن عمیق را از آنها سلب کرده و آنها درگیر سیکل معیوب روزمرگی و بکنواختی شده‌اند. از طرف دیگر، معلمان در جهت توانمندشدن برای کسب هویت صنفی و رسالت ویژه خود، امکان پیوستن به تشک‌های مربوط به خود را در زمینه تجربه‌اندوزی و آموزش‌های جهانی ندارند و عضویت در تشک‌های صنفی موجود، برایشان پرهزینه می‌نماید و اصولاً این تشک‌ها برای چنین فعالیت‌هایی تعریف نشده‌اند. در نتیجه نوعی سندرم نارضایتی در گفتار و رفتار معلمان به وجود آمده که مثبت‌اندیشی را در میان آنها به‌شدت کاهش داده است. آنها در کسب مهارت‌های نیم‌بند و ناکارآمد، وابسته به تشکیلات نحیف و بی‌انگیزه دولتی هستند که گزینشی عمل می‌کنند و توانایی و شجاعت حرکت در بستر جهانی را ندارند. به‌این‌ترتیب بخش عظیمی از بدنه، (به‌استثنای موارد محدود) صلاحیت‌ها را در فرایند آزمون‌وخطا کسب می‌کنند. در طول این سالیان، دغدغه معیشتی نیز رفق معلمان را بریده و فرصت‌های بازبینی وضعیت آموزشی را کند کرده است.

گره‌زدن بهبود وضعیت معیشتی معلمان نیز با طرح‌های مرتبط با کیفیت‌بخشی مدارس، اساساً شکست‌خورده می‌نماید. گویی دولت‌ها نیز پذیرفته‌اند که برای افزایش کیفیت معیشتی و رفاه شغلی معلمان نیاز به افزایش شرح وظایف آنهاست، بهبود شرایط رفاهی معلمان بایستی به‌دور از شرط‌وسرطوط و گروکشی این‌چنینی صورت پذیرد. رضایت و آرامش و امنیت اقتصادی معلمان در مقایسه با سایر کارکنان، از شکندگی زاید‌الوصفی حکایت دارد. تا وقتی راه نهادهای مدنی و «ان‌جی‌ا»های آموزشی و توانمندساز به مدارس بسته است، برون‌رفتی متصور نیست. نهاد رسمی آموزش و پرورش کشور باید مسیر را برای شکل‌گرفتن این موارد هموار کند و بساط تصدی‌گری خود را برچیند. دولت‌ها متولیان خوبی برای تعلیم و تربیت نیستند.